

ناگهان شعر



قصر امین پور

گفتی: غزل بگو! چه بگویم؟ مجال کو؟ شیرین من! برای غزل شور و حال کو؟ پر می زند دلم به هوای غزل ولی گیرم هوای پر زدنم هست، بال کو؟ گیرم به فال نیک بگیرم بهار را چشمم دلی برای تماشا و فال کو؟ تقویم چار فصل دلم را ورق زدم آن برگ های سبز سرآغاز سال کو؟ رفتم و پرسش دل ما بی جواب ماند حال سوال و حوصله قیل و قال کو؟



حامد عسکری

شانه ات را دیر آوردی سرم را یاد برد خشت خشت و آخر آجر پیکرم را یاد برد من بلوطی پیر بودم پای یک کوه بلند نیمم آتش سوخت، نیم دیگرم را یاد برد از غزل هایم فقط خاکستری مانده به جا بیت های روشن و شعله ور را یاد برد با همین نیمه همین معمولی ساده بساز دیر کردی نیمه عاشق ترم را یاد برد بال کو بیدم قفس را بشکنم عمرم گذشت و انشد بدتر از آن بال و پر مرا یاد برد



امیر علی سلیمانی

چه بی فروغ، چه تنها، چه گوشه گیر شده کسی که سر به هوا بوده سر به زیر شده نگاه کرده به آینده و گرفته دلش چقدر با تو جوان بوده بی تو پیر شده منم قناری دل بسته ای که جفتش را شبی میان قفس دیده و اسیر شده بگو چه می کنی آن شاهزاده غمگین که بعد مرگ پدر آخرش وزیر شده سلام کردم و گفتم چقدر دلتنگم جواب دادی و گفתי چقدر دیر شده

غذای غزل

غذا به معنی خوراک است.

غزا به معنی جنگ و جنگ کردن است.

قضا به معنی «تقدیر و سر نوشت» و «قضاوت و دوری» است.

غذیر **اقدیر**

غذیر به معنی «آبگیر» است.

قدیر به معنی «توانا، قادر» است.

غدر / اقدر

غدر به معنی «مکر و حيله» نیز به معنی «بی وفایی، پیمان شکنی و خیانت» است. اقدر به معنی «ارزش و اعتبار» «مقام و مرتبه» و «اندازه» است.

بر گرفته از کتاب فرهنگ سخن

تألیف استاد حسن انوری



محمد بهبودی نیا

culture@khorasannews.com

بی تردید هرگاه سخنی از شعر و حماسه به میان می آید، اولین گزینه ای که به ذهن هر کدام از ما می رسد شاهنامه فردوسی است. اثر فاخری که چه در گذشته های دور و چه امروز، مرزهای زبانی و جغرافیایی زیادی را در نور دیده و شکوه ادبیات فارسی را به رخ جهانیان کشیده است. باید به این نکته توجه داشت که میان گونه های متعدد حماسه سرایی، نوعی حماسه سرایی نیز وجود دارد که شاعرانی مانند اسدی توسی، نظامی گنجوی، ابن حسام خوسفی و بسیاری از شاعران نام آشنای مادر این عرصه، آثار باشکوهی خلق کرده اند اما امروز کمتر کسی از این گونه حماسه سرایی نامی به میان آورده است. حماسه سرایی شیعی، «گونه ای ادبی است که در طول تاریخ اوج و فرودهای زیادی را تجربه کرده و شور بختانه در شعر معاصر ما تا حدود زیادی رنگ باخته است. برای بررسی دلایل کمرنگ شدن حماسه سرایی شیعی در روزگار ما و همچنین تاریخچه آن با دکتر فرزاد قائمی، استاد زبان و ادبیات فارسی و عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی به تازگی کتاب «نظریه ادبیات شیعی - در آمدی بر اصالت حماسه در فرهنگ تشیع» او منتشر شده، گفت و گو کردیم.

سر آغاز ادبیات حماسی شیعی، نیم قرن پس از فردوسی

این استاد دانشگاه گفت: پیشینه شکل گیری حماسه در ادبیات شیعی با شکل گیری حماسه در ادبیات فارسی تقریباً یکسان است و این گونه ادبی را لحاظ محتوایی بیشتر شامل غزوات پیامبر اکرم (ص) و رشادت های امیر مومنان (ع) می شود. از شاهنامه فردوسی که عبور کنیم اولین منظومه ای که ویژگی های جدایی یک منظومه حماسی را در اختیار مای گذارد «علی نامه ربیع» است. منظومه ای فارسی و ناشناخته که حدود نیم قرن پس از شاهنامه فردوسی سروده شده و دلیل اهمیت آن، قدمت تاریخی آن بوده نه ظرفیت های ادبی اش. حتی اگر این منظومه را کنار بگذاریم شکل گیری شعر حماسی در فرهنگ تشیع به بعد از حمله مغول برمی گردد.

قائمی افزود: در سده های پنج و شش، نوعی تلاش برای رقابت، تکمیل و تقلید از شاهنامه فردوسی میان شاعران آن روزگار به راه افتاد. در این عصر، شاعرانی مانند اسدی توسی و نظامی گنجوی به سرایش این نوع از شعر می پرداختند؛ اما پس از دوره مغول، حوزه های جدیدی از شعر حماسی

غفلت از «حماسه سرایی شیعی» در ادبیات آیینی

گفت و گوی خراسان با دکتر فرزاد قائمی، پژوهشگر و استاد زبان و ادبیات فارسی که از تاریخچه حماسه سرایی در باره غزوات پیامبر اکرم (ص) و رشادت های امیر مومنان (ع) شاخصه «امید آفرینی» این گونه ادبی و جای خالی آن در ادبیات معاصر سخن می گوید

با توجه به رونق تاریخ نویسی و تاریخ سرایی آثار حماسی به وجود آمد که از آن جمله می توان به «شهنشاه نامه احمد تبریزی»، «شاهنامه چنگیزی» و «قازان نامه» اشاره کرد. در همین زمان با توجه به رواج شاهنامه میان شاعران و مردم، به شعر حماسی شیعی نیز توجه بیشتری شد و میان حماسه و تشیع پیوند عمیق تری شکل گرفت. در این دوره و همزمان با فروپاشی حکومت عباسی، تشیع که در قرن های قبل تر به شدت سرکوب می شد گسترش یافت و در سده های ۹ و ۱۰ به اوج خود رسید. وی خاطر نشان کرد: در همین دوره تعدادی از نقالان، قصه گوین و درویشان دوره گرد که از آن ها بانام «مناقبی» یاد می شود، داستان های فرهنگ دینی را میان مردم نقل می کردند. مناقبیان کسانی بودند که در گسترش تشیع در ایران نقش جدی داشتند. در ادامه، تحت تأثیر داستان های مناقبیان نوعی شعر به نام «ولایت نامه» به وجود آمد. ولایت نامه ها، قصیده ها و مثنوی های بسیار ساده ای بود که در آن داستان های مناقبیان بیان می شد. شاعرانی مثل «سلیمی» و «کاشی» شعر های در خور توجهی در این حوزه هادی خلق کرده اند.

خاوران نامه، شاهکار ادبیات حماسی شیعی

عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی تصریح کرد: ولایت نامه سرایی در قرن ۹ به بلوغ کامل رسید و شاهکار ادبیات حماسی شیعی به نام «خاوران نامه» اثر ابن حسام خوسفی در همین قرن به وجود آمد. به اعتقاد من، بعد از شاهنامه فردوسی این منظومه حماسی از همه منظومه های حماسی یک سرو گردن بالاتر است. ابن حسام، این منظومه را حدود ۲۴ هزار بیت بر اساس افسانه های مناقبیان سروده است. این شاعر که به شدت تحت تأثیر فردوسی و نظامی گنجوی است با توجه به جغرافیای افسانه های مناقبیان، سرزمینی خیالی به نام خاوران را ایجاد و روایت های شعری خود را در این فضا پیاده سازی کرده است. به جرئت می توان گفت که ابن حسام خوسفی با این اثر ماندگار، خود ادبیات شیعی را وارد دوره جدیدی کرد.

نقش ناصر خسرو قبادیانی و کسایب مروری در ادبیات حکمی شیعی

دکتر قائمی گفت: قدمت ادبیات شیعی کمتر از کلیت ادبیات فارسی نیست. شاعران خراسان و سیستان را می توان آغازگر ادبیات حکمی

توجه به آینده سازی جوانان

بخش دیگری از فعالیت های این استاد روانشاد، تربیت شادان جوانی بود که در محفل های ادبی و علمی امروز تاجیکستان تبدیل به چهره هایی درخشان شده اند. در خاطرات این استاد می خوانم که فردی به ایشان، ایراد می گیرد که چرا شما هر جامی روید تعداد زیادی از بچه های جوان به دنبال شما می آیند. استاد در پاسخ گفته بود: «اگر هر کدام از ما ۱۰ تا ۱۰ نفر از جوانان را با عالم معنا، معرفت و خودشناسی آشنا کنیم، هر کدام از همین بچه ها ۱۰ تا ۱۵ نفر دیگر را در این مسیر راهنمایی کنند و این زنجیره تعلیم ادامه یابد، جامعه ما آن وقت ساخته می شود و یک جامعه سالم و خالی از توهم و توحش خواهیم داشت.» امروز جامعه ادبی تاجیکستان و شاگردان او از این استاد به عنوان معلم اخلاق و ادیبی کارگشته یاد می کنند که حرفش با عملش یکی است و با همین خلق و خوی نام خود را در تاریخ ادب فارسی ثبت کرده اند.

آثار و مقالات

ظفر میرزایان در دوران زندگی خود آثار گران بهای زیادی در زمینه شاهنامه فردوسی، مثنوی معنوی مولانا و همچنین آداب و رسوم آریایی و فارسی زبانان نوشته است؛ که از آن جمله به «بوی جوی مولیان»، مقالات نورو،

آگهی دعوت (نوبت اول) سهامداران شرکت کشاورزی و دامپروری زرگشت نهبندان

سهامی خاص ثبت شده به شماره ۳۱ و شناسه ملی ۰۰۳۳۶۰۲۲۳۹۲۸
جهت تشکیل مجمع عمومی عادی بدنبوسله از کلیه سهامداران شرکت دعوت می شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی که در ساعت ۱۰۰۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۱۷ در محل شرکت واقع در آدرس خراسان جنوبی، نهبندان، خیابان مختارات، کوچه شهید سمرعی، شرکت کشاورزی و دامپروری زرگشت نهبندان تشکیل می شود، حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:
۱- انتخاب مدیران
۲- انتخاب بازرسین
۳- انتخاب روزنامه کنترالانشاد جهت درج آگهی های شرکت
هیات مدیره شرکت کشاورزی و دامپروری زرگشت نهبندان

ادب و هنر



وی با اشاره به سنت «حمه خوانی» و جایگاه آن میان شیعیان اظهار کرد: سنت حمله خوانی که بعد از روضه خوانی دومین سنت مهم فرهنگ تشیع است مبتنی بر نقش محوری منظومه «حمه» حیدری، شکل گرفته و با توجه به همین منظومه نام گذاری شده است.

انواع ادبیات حماسی دینی

این استاد دانشگاه افزود: ادبیات حماسی شیعی را می توان به دودسته تقسیم کرد: گونه اول منظومه های حماسی که برگرفته از فرهنگ شفاهی مردم هستند. این منظومه ها شامل داستان های غیرواقعی استخراج شده از روایت های مناقبیان (که حاصل ترکیب اسطوره های کهن با فرهنگ تشیع بود) است. گونه دوم ادبیات حماسی شیعی هم مربوط به منظومه هایی است که بر اساس مستندات تاریخ تشیع شکل گرفته است. دوران اوج نوع اول از قرن هشتم تا دهم و دوران اوج نوع دوم از قرن دوازدهم تا امروز است. البته گونه سومی به نام حماسه دینی عامیانه تاریخی را نیز می توان به این دسته بندی ها اضافه کرد.

جای خالی حماسه های شیعی در روزگار ما

این پژوهشگر ادبی در پاسخ به این سؤال که آیا زمینه های مذهبی توانسته در حماسه های فارسی عصر ما جایی برای ظهور پیدا کند؟ گفت: متأسفانه پاسخ منفی است و شاید یکی از مهم ترین علت های این اشکال، تمرکز بسیار سرایندگان اشعار شیعی بر شعر آیینی بوده است. شعری که صرفاً زمینه کاربرد آن محدود به استفاده در آیین هاست. وی تصریح کرد: شعر حماسی زمینه انگیزشی مثبت دارد و کاربرد آن می تواند به ارتقای کیفیت روانی افرادی ختم شود که در یک آیین مذهبی مشارکت می کنند. ذات شعر حماسی همواره امیدبخش بوده و دنیای روشن تری را برای مخاطبان ترسیم می کند. از این رو سرایندگان شعر آیینی باید به شعر حماسی توجه بیشتری داشته باشند.



سده، مهرگان، مقدسات آب، هفت سین، یلدا و همچنین «ستایش زن در شاهنامه»، «مقالات بی شمار درباره شاهنامه و حکیم داناوی توس»، «جشن نوروز، عامل خودآگاهی ملی تاجیکان» و کتاب «خداوندگار سخن فارسی» می توان اشاره کرد.

۷

موسیقی

استاد فرهاد فخرالدینی:

شرایط موسیقی

و بودجه آن اسفناک است



کمتر کسی است که تا امروز نام استاد فرهاد فخرالدینی را نشنیده باشد. او سال هاست در عرصه آهنگ سازی و رهبری ارکسترهای مختلف، پای کار هنر این سرزمین بوده و موسیقی های فراوانی

از جمله موسیقی متن سریال ها و فیلم هایی از جمله سرمداران، اسام علی (ع)، بوعلی سینا، روزی روزگاری و... ساخته اوست. چند روز پیش خبری مبنی بر اجرای آثار این استاد بر جسته توسط ارکستر ملی ایران در روزهای ابتدایی تابستان منتشر شد که بی اغراق این خبر را می توان با قره آمدی در دل اهالی موسیقی به شمار آورد.

استاد فرهاد فخرالدینی در حاشیه جلسات تمرین ارکستر ملی «موسیقی ما» درباره اثری شنیده نشده از وی که قرار است توسط ارکستر ملی اجرا شود، گفت: این قطعه را بعد از کناره گیری ام (برای بار دوم) از ارکستر ملی را برای چاپ، به یکی از انتشاراتی ها سپرده ام و به زودی روانه بازار می شود. علاوه بر این، اثر «منظومه سیمرخ» بر اساس منطقی الطیر عطار را نوشته ام.

وی افزود: بعد از نوشتن چند اثر که قرار است در کنسرت ملی اجرا شود، احساس وظیفه کردم که اولین اجرای این کنسرت را به همین ارکستر تقدیم کنم.

حمایتی نباشد ارکستر جدیتی نخواهد داشت

استاد فخرالدینی درباره دلیل کم کار شدن تعدادی از موسیقی دانان در روزگار ما گفت: وقتی کار به جدیت می رسد که کارهای جدیدی به موسیقی دان سفارش داده شود. البته من این آثار را به سفارش سازمانی انجام نداده ام ولی مسئولان باید به فکر ارکستر باشند و وقتی مسئول نباشد ارکستر، جدیتی نخواهد داشت و علت اصلی که ارکستر فعالیت نمی کند دلش این است که جدیتی نمی بینند.

وی افزود: بی پرده بگویم وضع رسیدگی به موسیقی و بودجه ای که صرف این کار می شود اسفناک است با این هزینه های بالا، نوازنده ها چگونه باید کار و زندگی کنند؟ باید به اهالی موسیقی توجه بیشتری شود. علت کناره گیری های من از فعالیت های هنری ام از قدیم تا امروز همین بوده است.

استاد فخرالدینی درباره تازه ترین کتاب خود با نام «وزن در موسیقی ایران» گفت: این کتاب در واقع رساله تحصیلی من بود. همان زمان قصد داشتم این رساله را به صورت کتاب منتشر کنم ولی ترجیح دادم بیشتر روی این کتاب تمرکز کنم. در نهایت این کتاب، ظرف یک ماه آینده منتشر می شود.

این استاد بر جسته موسیقی افزود: درباره منظومه سیمرخ باید به این نکته اشاره کنم که این اثر موسیقایی نیز آماده است. مدت زمان اجرای اثر موسیقایی «منظومه سیمرخ» مفصل است و علاوه بر ارکستر سمفونیک، همکار گروه کر را هم طلب می کند و دو سولیست هم دارد. امیدوارم فرصتی باشد تا آن اثر را هم اجرا کنیم.



شاه منصور شاه میرزا

شاعر و پژوهشگر تاجیکستانی

زندمیداد، استاد ظفر میرزایان، ادب پژوه و شاهنامه شناس تاجیکستانی در تاریخ ۷ ژوئن سال ۲۰۲۳ (مصادف با ۲۱ خردادماه سال ۱۴۰۲) در شهر خاؤلینگ تاجیکستان درگذشت. این استاد برجسته زبان و ادب فارسی را می توان جزو چهره های جریان ساز اخلاق و ادبیات امروز تاجیکستان قلمداد کرد. استاد ظفر میرزایان در سال ۱۹۴۹ در شهرستان خاؤلینگ متولد شد و در سال ۲۰۲۳ (۲۰ خرداد ۱۴۰۲ به تاریخ ایران) در سن ۷۴ سالگی درگذشت. این استاد برجسته، فارغ التحصیل رشته خاورشناسی دانشگاه ملی تاجیکستان بود و علاوه بر پژوهشگری در حوزه ادبیات با یکی از مهم ترین روزنامه های تاجیکستان بانام «پژواک» همکاری داشت.

دفاع جانانه از مولانا در برابر افراطی ها

دفاع جانانه از زبان فارسی و شاعران فارسی زبان را می توان جزو خصوصیات بارز ظفر میرزایان به شمار آورد. مقاله «مولانا آموزگار پندار و گفتار نیک» از جمله آثار ی است که این ادب پژوه نوشته است. در یک بازه زمانی بعضی افراطی ها این نظریه را مطرح کرده بودند که مولانا جلال الدین بلخی در تمام عمرش به صوفی گری و گوشه نشینی مشغول بوده است.



استاد میرزایان با شنیدن این ادعاها مقاله ای می نویسد و با ارائه دلایل هابی محکم بر این نظریه خط بطلان می کشد. او در این مقاله، جنبه روشنفکری مولانا را مطرح می کند. زندمیداد میرزایان، همیشه از مولانا به عنوان یک مصلح اجتماعی یاد می کند که اشعارش سراپا شادی و امیدبخش بوده است.

منزل استاد، محفل دوستداران فردوسی

زندمیداد میرزایان منزل خود را در تاجیکستان به محلی برای شاهنامه خوانی تبدیل کرده و عمر خود را نیز در راه تفسیر شاهنامه شاهوار حکیم ابوالقاسم فردوسی صرف کرده است. آن چنان که از نوشته های این پژوهشگر ادبی پیداست برای نوشتن هر مقاله، تحقیقات فراوانی را در دستور کار خود قرار می داد. او گاهی برای نوشتن یک مقاله منابع زیادی از کتاب های منتشر شده در کشورهای ایران، تاجیکستان، افغانستان و کشورهای پسا شوروی و همچنین آثار خاورشناسان غربی را مطالعه می کرد. او